

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به برخی از خصائص ام المؤمنین، حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها

حضرت خدیجه بنت خویلد اولین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. این بانوی با کرامت از آنجایی که به جهت حسب و نسب و جایگاه مالی، از مکانت ویژه ای برخوردار بود، بسیاری از بزرگان مشرکین عرب آرزوی ازدواج با ایشان را داشتند اما این بانوی بزرگوار که تمام هم و غمش تعالی الهی بود، دست رد به سینه تمامی آنها زد و ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برگزید. این امر سبب اعتراض تعداد زیادی از زنان اشراف و قریش به آن حضرت شد به گونه ای که حتی هنگام تولد ثمره این ازدواج، یعنی اجلال نزول حضرت زهرا صلوات الله و سلامه علیها، حضرت خدیجه سلام الله علیها را رها کردند و در کنار ایشان حضور پیدا نکردند. حضرت خدیجه سلام الله علیها در راستای تبلیغ دین مبین اسلام و اعتلای پرچم توحید و یکتاپرستی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و با تمامی توان به یاری آخرین فرستاده الهی شتافت و همه اموال خویش را در این راه صرف نمود.

در این نوشتار بر آنیم تا به برخی از فضایل و ویژگیهای آن بانوی بزرگوار اشاره ای داشته باشیم.

۱. سلام خدا و جبرئیل بر حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها

یکی از خصائص حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها، سلام خداوند متعال و جبرئیل بر ایشان می باشد چنانچه بخاری در کتاب صحیح بخاری [معتبرترین منبع حدیثی اهل سنت] می نویسد:

أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأُ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِئِي وَبَشْرُهَا بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مَنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۳ ص ۱۳۸۹، تحقيق:
د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷م .

جبرئيل به نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله آمد و عرضه داشت: اي رسول خدا! اين خديجه است که آمده و همراه او ظرفي است که در آن خورش و يا غذا و يا نوشيدني است. هنگامی که به نزد تو آمد، از جانب پروردگارت و من به او سلام برسان و او را به خانه اي در بهشت بشارت ده که از جنس ني مي باشد و در آن صدا و آزاري نيست [محل آرامش است].

مشابه همین روایت نیز در صحيح مسلم نقل شده است:

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفى ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، ج ۴ ص ۱۸۸۷، تحقيق:
محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

شمس الدين ذهبي بعد از نقل این حدیث می نویسد:

متفق علی صحته.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ۷۴۸هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ۲ ص ۱۱۳، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳هـ .

بر صحيح بودن ين حدیث اتفاق نظر وجود دارد.

در منابع امامیه نیز پیرامون سلام خدا و جبرئیل چنین آمده است:

عن زرارة و حمران و محمد بن مسلم عن أبي جعفر ع قال حدث أبو سعيد الخدري أن رسول الله ص قال: إن جبرئيل ع قال لي ليلة أسري بي حين رجعت و قلت يا جبرئيل هل لك من حاجة قال حاجتي أن تقرأ على خديجة من الله و مني السلام و حدثنا عند ذلك أنها قالت حين لقاها نبي الله صلى الله عليه و آله فقال لها الذي قال جبرئيل فقالت إن الله هو السلام و منه السلام و إليه السلام و على جبرئيل السلام.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی؛ ج ۲؛ ص ۲۷۹ المطبعة العلمية - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۶؛ ص ۷ دار إحياء التراث العربي -
بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: وقتی که در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد، هنگام
بازگشت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام
مرا به خدیجه برسانی» پیامبر صلی الله علیه وآله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه
ابلاغ کرد. حضرت خدیجه فرمود: همانا خدا سلام است، و از او است سلام، و درود به سوی او باز گردد و بر
جبرئیل سلام باد.

۲. فضائل حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها نزد خداوند متعال، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

با مراجعه به منابع روایی، در میابیم که حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها مورد مباحات خداوند
متعال، پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است که به برخی از موارد اشاره می شود:

الف: خداوند متعال

از جمله خصائص حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها، مباحات خداوند متعال بر آن حضرت می باشد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی برنامه چهل روزه از جانب پروردگارش دریافت نمود و مقرر شد که چهل روز
از همسرش به دور باشد، توسط عمار یاسر رضوان الله تعالی علیه برای آن حضرت پیغام فرستادند که:

یا خدیجة لا تطني أن انقطاعي عنك [هجرة] و لا قلی و لكن ربي عز و جل أمرني بذلك لتنفيذ [لینفذ]

أمره فلا تطني يا خدیجة إلا خیرا فإن الله عز و جل لیباهي بك كرام ملائکته کل یوم مرارا.

علي بن یوسف المطهر الحلي (متوفي حدود ۷۵۰ هـ)، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة ص ۲۲۰، محقق :

السید مهدي الرجائي / إشراف : السید محمود المرعشي، چاپ اول، سال چاپ ۱۴۰۸ هـ، ناشر : مكتبة آية الله

المرعشي العامة؛ مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ١٦ ؛ ص ٧٨، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.

ای خدیجه! گمان نکنی که دلیل دوری من از تو به سبب غضبی است که نسبت به تو دارم، بلکه خداوند متعال این دوری را امر فرموده و من برای امتثال فرمان او چنین می‌کنم و تو جز خیر، در این مورد هیچ اندیشه دیگری نداشته باش که خداوند متعال در هر روز چند بار به سبب تو بر ملائکه مباحثات می‌ورزد.

ب. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رسول مکرم اسلام نیز به فضائل حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها اشاره داشته و به داشتن چنین همسری افتخار می‌کرده و با عظمت از ایشان یاد می‌کردند چنان چه فرمودند:

خَدِيجَةٌ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبْتَنِي النَّاسُ وَ أَرْزَنْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَضَبِ الزُّمُرْدِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَبَ.

الموفق ابن احمد بن محمد المكي الخوارزمي (متوفاي ٥٦٨هـ)، المناقب، ص ٣٥٠، تحقيق: الشيخ مالك المحمودي - ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الثانية ١٤١٤ هـ. الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفاي ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ١ ص ٣٧٠، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٤٣ ؛ ص ١٣١، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.

خدیجه و کجاست مانند خدیجه! مرا تصدیق کرد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند. و بر دین خدا یاری ام کرد و با همه مال خود کمکم نمود. خدا به من دستور داد خدیجه را به قصری از زمرد که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست بشارت دهم.

و همچنین نقل شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد و در حضور مردم امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما را چنین معرفی کردند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا أُخْبِرُكُمْ الْيَوْمَ بِخَيْرِ النَّاسِ جَدًّا وَ جَدَّةً؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَإِنَّ جَدَّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتَهُمَا خَدِيجَةُ الْكُبْرَى بِنْتُ حُوَيْلِدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْجَنَّةِ.

الطبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم (متوفى ۵۲۵هـ)، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله) لشبيعة المرتضى عليه السلام، ص ۱۱۵، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، طبع ونشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة الطبعة: الأولى ۱۴۲۰ هـ .

اي مردم آيا امروز به شما خبر ندهم بهترين مردم را از جهت جد و جده [چه كسي است]؟ پاسخ دادند: آري اي رسول خدا! پيامبر فرمود: بر شما باد به حسن و حسين چرا كه جد آن دو رسول خدا و جده آنان خديجه كبري دختر حويلد و سرور زنان بهشت است.

رسول خدا صلي الله عليه و آله هنگامی که در بستر شهادت قرار گرفت، حضرت زهرا سلام الله عليها پریشان و گریان بودند. رسول خدا حضرت زهرا سلام الله عليها را دلداري داده و در فرازي حضرت خديجه كبري سلام الله عليها را چنین یاد کردند:

إِنَّ عَلِيًّا أَوْلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) وَ رَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، هُوَ وَ خَدِيجَةُ أُمِّكَ.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰هـ)، الأمالي، ص ۶۰۷، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ .

همانا علي و خديجه مادرت نخستين شخص از اين امت هستند كه به خدا و رسول او ايمان آوردند.

و رسول خدا صلي الله عليه و آله روزی امام حسين عليه السلام را چنین معرفی کردند:

أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ خَيْرُ النَّاسِ جَدًّا وَ جَدَّةً جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ جَدَّتُهُ خَدِيجَةُ سَابِقَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ.

ابن طاووس الحلي، ابي القاسم علي بن موسي (متوفاي ٦٦٤هـ)، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ج ١
ص ١١٩، چاپخانه: الخيام - قم، چاپ: الأولى ١٣٩٩ هـ.

اي مردم اين حسين بن علي است كه از جهت جد و جده بهترين مردم است. جدش رسول خدا، آقاي
فرزندان آدم و جده اش خديجه، بر همه زنان عالم در ايمان به خدا و رسولش سبقت جسته است (كنايه از
اينكه در بين زنان اولين مسلمان است).

ج: اميرالمؤمنين سلام الله عليه

وجود مقدس اميرالمؤمنين سلام الله عليه نيز از حضرت خديجه سلام الله عليها به نيكي ياد کرده و در
فراق از دست دادن ايشان و پدر گراميشان حضرت ابوطالب سلام الله عليه اشک ماتم مي ريختند و اين ابیات را
سرودند:

أَعْيَتِي جُودًا بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمَا
عَلَى هَالِكَيْنِ لَا تَرَى لَهُمَا مِثْلًا
عَلَى سَيِّدِ الْبَطْحَاءِ وَ ابْنِ رَأْسِهَا
وَ سَيِّدَةِ النَّسْوَانِ أَوْلَ مَنْ صَلَّى
مُهَذَّبَةً قَدْ طَيَّبَ اللَّهُ خِيَمَهَا
مُبَارَكَةً وَ اللَّهُ سَاقَ لَهَا الْفَضْلَا
فَبِتُّ أَقَاسِي مِنْهُمَا لَهُمَّ وَ التَّكْلَا
مُضَابُّهُمَا أَدْجَى إِلَى الْجَوْ وَ الْهَوَا
لَقَدْ نَصَرَ فِي اللَّهِ دِينَ مُحَمَّدٍ
عَلَى مَنْ بَعَا فِي الدِّينِ قَدْ رَعِيَ إِلَّا.

میبدی، حسین بن معین الدین، (متوفای ۹۱۱ هـ) دیوان امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۳۵۹، مترجم:

زمانی، مصطفی، دار النشر: دار نداء الإسلام للنشر، الطبعة الاولى، سنة الطبع: ۱۴۱۱ ق.

هان ای دو چشم من! باران اشک از آسمان دیدگانم فرو بارید. خدا این باران اشک را در سوگ دو از دست رفته [و دو یار فداکار اسلام و قرآن و دو پشتیبان بی همانند پیامبر خدا] بر شما مبارک گرداند؛ چرا که آن دو به راستی بی نظیر بودند.

هان ای دو چشم من! در سوگ غمبار سالار مکه و فرزند رئیس آن (ابو طالب) و در رحلت جانگداز **سرور**

بانوان، اولین زنی که [به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله] نماز گزارد، باران اشک فرو بارید!

بر همان بانوی خودساخته و پاک روش و پاک منشی که خداوند خیمه و سرای او را پاک و پاکیزه ساخت؛

بانوی پر برکتی که خدا او را [به خاطر ایمان و کردار شایسته اش] به شاهراه فضیلت ها رهنمون ساخت.

این دو شخص آیین محمد صلی الله علیه و آله را برای خدا یاری کردند و با ستمکاران و یاغیان با آخرین توان مبارزه کردند.

شب کردم در حالی که دچار اندوه جانکاه رحلت این دو بزرگوار و فراق آنها شدم و مصیبت جانسوز آنها، شبانه روز مرا تیره و تار ساخته است.

همچنین آن حضرت، خدیجه کبری سلام الله علیها را یکی از چهار سرور زنان دنیا معرفی کرده است:

سادات نساء العالمین أربع : خدیجة بنت خویلد ، وفاطمة بنت محمد ، وآسیة بنت مزاحم ، ومريم بنت

عمران.

ابن أبي الحديد المدائني المعتزلي، ابوحامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای ۶۵۵ هـ)، شرح

نهج البلاغة، ج ۱۰ ص ۱۵۶، تحقیق: محمد عبد الکریم النمري، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة:

الأولى، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م.

سروران زنان دنیا چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه بنت محمد، آسیه دختر مزاحم و مریم دختران

عمران.

د: امام حسن مجتبی سلام الله علیه

امام حسن مجتبی سلام الله نیز از جمله بزرگانی است که با توجه به مقام والای حضرت خدیجه کبری

صلوات الله علیها، به آن بانوی یکتا مباهات می کرده است.

امام مجتبی صلوات الله علیه در ذیل آیه ۱۸ سوره انفطار که خداوند متعال فرموده است: **فِي أَيِّ صُورَةٍ**

مَا شَاءَ رَكَّبَكَ فرمودند:

صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ فَكَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ

النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ وَ كُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى.

ابن شهر آشوب، رشید الدین ابی عبد الله محمد بن علی السروی المازندرانی (متوفای ۵۸۸هـ)، مناقب آل ابی

طالب، ج ۴ ص ۲، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶هـ -

۱۹۵۶م.

خداوند متعال علی بن ابی طالب را -هنگامی که در پشت ابو طالب بود- به چهره رسول خدا صلی الله

علیه و آله آفرید و علی بن ابی طالب علیه السلام شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و حسین بن علی

به فاطمه شبیه بوده و من به جده ام خدیجه کبری صلوات الله علیهم اجمعین شبیه ام.

در زمان خلافت امام حسن مجتبی سلام الله علیه، زمانی که معاویه خلافت را به دست گرفت، بر روی

منبر مسجد کوفه نشست و از حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما بدگویی کرد. امام حسن مجتبی سلام

الله علیه که در مجلس حاضر بود، ضمن پاسخ به معاویه، با اشاره به نسب خود با افتخار چنین فرمودند:

أَيُّهَا الذَّاكِرُ عَلِيًّا أَنَا الْحَسَنُ وَ أَبِي عَلِيٍّ وَ أَنْتَ مُعَاوِيَةُ وَ أَبُوكَ صَخْرٌ وَ أُمِّي فَاطِمَةُ وَ أُمُّكَ هِنْدٌ وَ جَدِّي رَسُولُ
اللَّهِ وَ جَدُّكَ حَزْبٌ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةُ وَ جَدُّكَ قَتِيلَةٌ فَلَعَنَ اللَّهُ أَخْمَلَنَا ذِكْرًا وَ الْأَمْنَا حَسَبًا وَ شَرَرْنَا قَدَمًا وَ أَقْدَمْنَا كُفْرًا
وَ نِفَاقًا - فَقَالَ طَوَائِفُ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ آمِينَ آمِينَ.

البغدادي، الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، العكبري، _متوفاي ٤١٣ ق_، الإرشاد في معرفة حجج
الله على العباد، ج ٢ ص ١٥، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة
والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤١٤ - ١٩٩٣ م.

ای آنکه علی علیه السلام را [به بدی] یاد کردی، منم حسن و پدرم علی است، توئی معاویه و پدرت صخر
است، مادر من فاطمه است و مادر تو هند می باشد، جد من رسول خدا و جد تو حرب است، **جده من**
خدیجه است و جده تو قتيله است، پس خدا لعنت کند از ما آن کس که نامش پلیدتر، و حسب و نسبش
پستتر، و سابقه اش بدتر، و کفر و نفاقش پیشتر بوده است، گروههای مختلف که در مسجد بودند دو
مرتبه آمین گفتند.

در این عبارت امام حسن مجتبی سلام الله علیه در مقام مقایسه نسب مبارک خود با نسب معاویه، با
افتخار نامی از حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها برده و این چنین به آن بانو مباهات می کند.
همچنین هنگامی که معاویه در مدینه قصد بد گویی از امیرالمؤمنین سلام الله علیه را داشت، هنگامی
که بر فراز منبر نشست و به دنبال حضرت می گشت، امام حسن مجتبی علیه السلام در مقابل او ایستاده و با
افتخار به نسب خویش اشاره و نام مبارک ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را بردند چنان چه
فرمودند:

كَانَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ وَ أَنْتَ ابْنُ صَخْرٍ وَ جَدُّكَ حَزْبٌ وَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أُمُّكَ
هِنْدٌ وَ أُمِّي فَاطِمَةُ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةُ وَ جَدُّكَ نَيْبِلَةٌ فَلَعَنَ اللَّهُ الْأَمْنَا حَسَبًا وَ أَقْدَمْنَا كُفْرًا وَ أَخْمَلْنَا ذِكْرًا وَ أَشَدَّنَا نِفَاقًا
فَقَالَ عَامَّةُ أَهْلِ الْمَجْلِسِ آمِينَ.

الطبرسي، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب _متوفای ۵۴۸ ق_، الاحتجاج، ج ۱ ص ۲۸۲ ، تحقیق:
تعلیق وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ -
۱۹۶۶ م.

بی شک علی بن ابی طالب علیهما السلام وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اوست، و من پسر
علی، و تو فرزند صخری، و جد تو حرب است و جد من رسول خدا است و مادر تو هند و مادر من فاطمه
است، و جده من خدیجه است و جده تو نثیله، پس خدا لعنت کند از ما آن کس که نامش پلیدتر، و حسب و
نسبش پستتر، و سابقه‌اش بدتر، و کفر و نفاقش پیش‌تر بوده است. اکثر اهل مجلس [در این هنگام]
آمین گفتند.

نکته: در ذکر نام جده معاویه سه نام ذکر شده است: نثیله، فتیله و قتیهله.

ه: امام حسین سلام الله علیه

وجود مقدس و نازنین امام حسین سلام الله علیه نیز در موارد متعددی همچون رویارویی با سپاه
دشمن در صحرائی کربلا، با ذکر نسب خود؛ نام حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را ذکر می‌کنند. با توجه به
اینکه جبهه مخالف به خوبی آن حضرت را شناخته و نسب و اجداد ایشان بر هیچ کسی مخفی نبود، نام بردن از
بزرگانی همچون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها، حاکی از اهمیت موضوع و چیزی جز مباهات
و افتخار را ثابت نمی‌کند.

سید الشهداء سلام الله علیه در روز عاشوراء در مقابل سپاه دشمن ایستاد و با نگاهی به صفوف آنان و

نظر به عمر سعد، خطبه‌ای ایراد فرمودند و در ضمن خطبه، چنین فرمودند:

فَأَيُّ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَ جَدَّتِي خَدِيجَةَ زَوْجَةَ نَبِيِّكُمْ.

المجلسي، محمد باقر_متوفى ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۵ ص ۶ ، تحقيق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

به درستي که من فرزند دختر پیامبر شما هستم و جده من خدیجه، همسر پیامبر شماست.

همچنین امام حسین علیه السلام در بخشی دیگر خطاب به سپاه مقابل چنین فرمودند:

أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى

ص قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا قَالُوا

اللَّهُمَّ نَعَمْ.

السيد ابن طاووس، الحسيني، علي بن موسي_متوفى ۶۶۴ ق_، اللهوف في قتلى الطفوف، ص ۸۶ ، ناشر :

أنوار الهدى - قم - إيران، چاپخانه : مهر، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۷ هـ..

شما را به خدا قسم آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله جد من است؟ گفتند: آری. شما را به

خدا قسم آیا می دانید که مادرم فاطمه دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است؟ گفتند: آری. شما را

به خدا قسم آیا می دانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا می دانید که

جدهام خدیجه دخت خویلد اول زن مسلمان از این امت است؟ گفتند: آری.

مرحوم شیخ کلینی رحمه الله در زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام چنین می نویسد:

السلام عليك يا ابن خديجة وفاطمة.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي، ناشر: اسلاميه،

تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سلام بر تو ای فرزند خدیجه و فاطمه.

و همین عبارت در برخی از زیارت نامه های حضرت سید الشهداء سلام الله علیه نیز ذکر شده است.

رک: ابن طاووس، رضي الدين علي بن موسى بن جعفر السيد ابن طاووس (متوفاي ٦٦٤هـ)، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، ج ٢ ص ٦٣، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ.

و: امام سجاد سلام الله عليه

پس از حادثه جانکاه کربلا و پیروزی حق بر باطل، کاروان اسرا به سمت کوفه و سپس شام در حرکت بود. حجت خدا؛ امام سجاد سلام الله عليه و حضرت زینب سلام الله عليها بزرگان این کاروان غمبار بودند. آزار و اذیت خاندان آل الله صلوات الله عليهم اجمعین از طرفی، دوری مسیر و بد رفتاری ظالمین و ستمگران یزیدی از طرفی دیگری باعث رنجش خاطر فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله شده بود. پس از بی احترامی های آنان نسبت به اهل بیت عليهم السلام، وقتی خاندان عصمت و طهارت در مسجد اموی دمشق اجلال نزول کردند، و مجلس یزید لعنة الله عليه نیز برپا بود. یزید در صدد این بود تا با جسارت تمام، خاندان اهل بیت عليهم افضل الصلاة و السلام را خارجی و افراد یاغی و سرکش معرفی کند.

پس از آنکه اهل بیت صلوات الله عليهم اجمعین بر مجلس یزید وارد شدند، یزید عنان سخن را به دست گرفته و شروع به یاهو سرایی نمود.

وجود مقدس امام سجاد سلام الله عليه نیز با مشاهده این سخنان باطل و دروغ گویی یزید، ایستاد و خطبه ای مفصل در رسوا سازی بنی امیه بیان کردند و پس از حمد الهی، در معرفی خود چنین فرمودند:

يا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ نَفْسِي أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَ مِنِّي أَنَا ابْنُ مَرْوَةَ وَ الصَّفَا أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ... أَنَا ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا ...

ابن شهرآشوب، رشید الدین اَبی عبد الله محمد بن علی السروی المازندرانی (متوفای ۵۸۸هـ)، مناقب آل اَبی طالب، ج ۴ ص ۱۶۸ ، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶هـ - ۱۹۵۶م.

ای گروه مردم هر کسی مرا می شناسد که می شناسد و هر کسی که مرا نمی شناسد خودم را معرفی می کند. من فرزند مکه و منی هستم. من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هستم ... من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و کسی که به ظلم کشته شده [یعنی امام حسین علیه السلام] هستم.

همچنین امام سجاد سلام الله علیه در ضمن صلواتی بر اهل بیت علیهم السلام، نام حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها را برده اند چنان چه فرمودند:

اللهم صل علی محمد المصطفی ، وعلی علی المرتضی ، و فاطمة الزهراء ، و خدیجة الكبرى ، والحسن المجتبی ...

الإمام زین العابدین (ع)، الصحيفة السجادية (ابطحی)، ص ۴۰۰ ، تحقیق : السید محمد باقر الموحّد الابطحی الإصفهانی، الأولى، ۲۵ محرم الحرام ۱۴۱۱ هـ، مؤسسة الإمام المهدي (ع) / مؤسسة الأنصاریان للطباعة والنشر - قم - ایران.

خدایا بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و حسن مجتبی صلوات الله علیهم اجمعین درود بفرست.

ز: امام صادق سلام الله علیه

وجود مقدس امام صادق سلام الله علیه نیز از حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها به بزرگی یاد کرده و

چنین فرمودند:

وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، وَ قَدْ خَطَبَهَا كُلُّ صَنَدِيدٍ وَ رَيْسٍ قَدْ أَبْتَنَاهُمْ، فَزَوَّجَتْهُ نَفْسَهَا لِلَّذِي بَلَغَهَا مِنْ خَبَرِ

بحیراء.

الحميري القمي، عبد الله بن جعفر (متوفاي ۳۰۴ق)، قرب الاسناد، ص ۳۲۵ ، تحقيق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر : مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، چاپخانه : مهر - قم، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۳ هـ .

و او سرور زنان قریش بود و هر زمامدار و رئیسی او را خاستگاری کرده بود ولی او خودش را به عقد کسی در آورد که خبر بحیراء به او رسیده بود.

بحیراء راهب مسیحی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله را به صفت و نشانه و نژاد و نام پیش از ظهور نبوتش شناخته و منتظر بعثت او بود.

ح: امام حسن عسکری سلام الله علیه

مرحوم سید بن طاووس رضوان الله تعالی علیه دعایی را از امام حسن عسکری سلام الله علیه نقل کرده که آن حضرت در نیایش خود ضمن صلوات بر حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها، بر مادر ایشان حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها نیز درود می فرستد چنان چه آمده است:

فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرَمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ۴۶۰ ق)، مصباح المتعبد، ناشر : مؤسسة فقه الشيعة - بيروت - لبنان، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م.

خدایا بر او [حضرت زهرا سلام الله علیها] و بر مادرش خدیجه کبری درود بفرست. درودی که به واسطه

آن مقام پدرش محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشته شود.

ی: حضرت زینب کبری سلام الله علیها

پیام آور کربلا، حضرت زینب کبری سلام الله علیها در روز یازدهم محرم پس از آنکه از کنار جنازه مطهر

شهدا عبور می کرد، خطاب به خداوند متعال چنین فرمود:

بِأَبِي مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى بِأَبِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى.

السید ابن طاووس، الحسینی، علی بن موسی _متوفای ۶۶۴ق_ ، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۱۳۴ ، ناشر :

أنوار الهدی - قم - ایران، چاپخانه : مهر، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۷ هـ...

پدرم به فدای محمد مصطفی، به فدای خدیجه کبری باد.

ک: زید بن علی علیهما السلام

زید بن علی علیهما السلام از جمله بزرگانی است که احقیت اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده است و

در ضمن به نام حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها اشاره کرده است چنانچه فرات کوفی از قول او چنین می

نویسد:

فَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوَدَّةِ أَبُونَا رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدَّتْنَا خَدِيجَةُ وَ أُمَّنَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ وَ أَبُونَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

الكوفی، فرات بن ابراهیم الكوفی (متوفای ۳۵۲هـ)، تفسیر الفرات الكوفی، ص ۲۴۶ ، تحقیق: محمد الكاظم،

ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - تهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰م.

ما نسبت به مودت سزاوار تر هستیم. پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و جده ما خدیجه و مادر ما

فاطمه زهراء و پدر ما علی بن ابی طالب سلام الله علیهم اجمعین است.

همچنین زید علیه السلام خطاب به ابوالخطاب چنین گفته است:

[فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص جَدُّنَا وَ الْمُؤْمِنُ الْمُهَاجِرُ مَعَهُ أَبُوْنَا وَ زَوْجَتُهُ خَدِيجَةُ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ جَدَّتُنَا وَ بِنْتُهُ فَاطِمَةُ

الزَّهْرَاءُ أُمَّنَا.

الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي (متوفى ۳۵۲هـ)، تفسير الفرات الكوفي، ص ۴۰۲، تحقيق: محمد الكاظم،

ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - تهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰م.

رسول خدا صلي الله عليه و آله جد ما و مومني مهاجر كه همراه او بود پدر ماست و همسر او خديجه دختر

خويلد جده ماست و دختر او فاطمه زهرا سلام الله عليها مادر ماست.

با دقت در متون تاريخي به دست آمده در ميايم كه شخصيت والاي حضرت خديجه كبري سلام الله عليها

حتي مورد افتخار دشمنان اهل بيت عليهم السلام نيز بوده است.

عبدالله بن زبير كه در عداوت و دشمني با خاندان آل الله عليهم افضل الصلاة و السلام وضعيت مشخصي

دارد، به حضرت خديجه كبري سلام الله عليها نيز افتخار مي کرده است چنان چه در گفتگويش با ابن عباس

چنين آمده است:

وَأَنْ عَمَّتِي خَدِيجَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

إِبْنُ أَبِي الْحَدِيدِ الْمَدَائِنِيِّ الْمَعْتَزَلِيِّ، ابوحامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفى ۶۵۵ هـ)، شرح

نهج البلاغة، ج ۹ ص ۱۸۸، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة:

الأولى، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م.

و عمه من خديجه، سرور زنان عالم است.

۳. برتری حضرت خدیجه کبری سلام الله علیه در کلام حضرت آدم علیه السلام

مقام والای حضرت خدیجه کبری سلام الله علیه بس والا و در بسیاری از روایات ذکر شده است. از جمله روایاتی که از حضرت آدم علیه السلام نقل شده است، وفاداری حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد که سال ها قبل از ولادت ایشان چنین فرمودند:

إني لسيد البشر يوم القيامة إلا رجل من ذريتي نبي من الأنبياء يقال له : محمد صلى الله عليه وآله، فضل

علي باثنتين : زوجته عاونته وكانته له عونا ، وكانته زوجتي علي عونا.

المجلسي، محمد باقر _متوفای ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۶ ص ۱۲ ، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

الدولابي، الإمام الحافظ ابوبشر محمد بن أحمد بن حماد (متوفای ۳۱۰هـ)، الذرية الطاهرة النبوية، ج ۱ ص

۳۸ ، تحقیق: سعد المبارك الحسن، ناشر:الدار السلفية - الكويت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷هـ .

در روز قیامت من آقاي همه بشر هستم مگر مردی از نسلم که پیامبری از پیامبران است و به او محمد

گفته می شود. او در دو چیز بر من برتری دارد [یکی از آن این است] همسرش او را کمک کرد و یاور او بود

و همسر من هم یاور من است.

شکی نیست که برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره یاور و در مسیر ایشان بوده اند؛

ولی جانفشانی ها و کمک های مادی و معنوی حضرت خدیجه کبری سلام الله علیه از همه برتر و در این مورد

هم ایشان متمایز از دیگران بوده اند.

با مراجعه به منابع اهل تسنن، در میابیم که این روایت نیز با اندکی اختلاف نقل شده است.

عاصمی مکی در سمط النجوم العوالي چنین نقل می کند:

قال آدم عليه الصلاة والسلام إني لسيد البشر يوم القيامة إلا رجلا من ذريتي نبي من الأنبياء يقال له

أحمد فضل علي باثنتين زوجته عاونته فكانته له عونا وكانته زوجتي علي.

العاصمي المكي، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي (متوفى ١١١١هـ)، سمط النجوم العوالي في
أبناء الأوائل والتوالي، ج ١ ص ٤٣١ ، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض، ناشر: دار الكتب
العلمية.

الزرقاني المالكي، ابو عبد الله محمد بن عبد الباقي بن يوسف بن أحمد بن شهاب الدين بن محمد
(متوفى ١١٢٢ هـ)، شرح الزرقاني على المواهب اللدنية بالمنح المحمدي، ج ٤ ص ٣٧٠ ، دار النشر: دار الكتب
العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.

مرحوم شيخ صدوق رحمه الله روايتي را نقل و در آن تصريح مي كند كه حضرت خديجه كبري سلام الله
عليها از همه همسران پیامبر برتر بوده است:

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني رضي الله عنه قال حدثنا الحسين بن علي بن الحسين
السكري قال حدثنا محمد بن زكريا الجوهري عن جعفر بن محمد بن عمارة عن أبيه عن أبي عبد الله جعفر بن
محمد الصادق ع قال: تزوج رسول الله ص بخمس عشرة امرأة و دخل بثلاث عشرة منهن و قبض عن تسع فأما
اللتان لم يدخل بهما فعمرة و السنى و أما الثلاث عشرة اللاتي دخل بهن فأولهن خديجة بنت خويلد ثم سورة
[سودة] بنت زمعة ثم أم سلمة و اسمها هند بنت أبي أمية ثم أم عبد الله عائشة بنت أبي بكر ثم حفصة بنت عمر
ثم زينب بنت خزيمة بن الحارث أم المساكين ثم زينب بنت جحش ثم أم حبيبة رملة بنت أبي سفيان ثم
ميمونة بنت الحارث ثم زينب بنت عميس ثم جويرية بنت الحارث ثم صفية بنت حيي بن أخطب و التي وهبت
نفسها للنبي ص خولة بنت حكيم السلمي و كان له سريتان يقسم لهما مع أزواجه مارية و ريحانة الخندفية و
التسع اللاتي قبض عنهن عائشة و حفصة و أم سلمة و زينب بنت جحش و ميمونة بنت الحارث و أم حبيبة بنت
أبي سفيان و صفية بنت حيي بن أخطب و جويرية بنت الحارث و سورة [سودة] بنت زمعة و أفضلهن خديجة بنت
خويلد ثم أم سلمة بنت أبي أمية ، ثم ميمونة بنت الحارث.

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص ۴۱۹، محقق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول،

۱۳۶۲ش.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله با پانزده زن عقد ازدواج برقرار نمود که با سیزده نفر از آنان همبستر شد و وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت نه تن از همسران ایشان در قید حیات بودند. نام دو نفری که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با ایشان آمیزش نکرد، «عمرة و سنا» بود، اما سیزده زنی که آن حضرت با آنها همبستر شد عبارتند از:

خدیجه دختر خویلد، سوده دختر زمعه، أم سلمه هند دختر اُبی امیه، عایشه دختر اُبی بکر، حفصه دختر عمر، زینب دختر خزیمه بن حارث (معروف به أم المساکین)، زینب دختر جحش، أم حبیبه رمله دختر اُبی سفیان، میمونه دختر حارث، زینب دختر عمیس، جویریة دختر حارث، صفیه دختر حی بن أخطب. یک زن هم خود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه نمود که «خوله دختر حکیم سلمی» نام داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو کنیز هم به نام «ماریه قبطیه و ریحانه خندفیه» داشت که با آنها مانند بقیه زنان خود برخورد می نمود و مانند بقیه همسران، روزهایی را برای آنان قرار داده بود. و نه همسری که در زمان وفات آن حضرت در قید حیات بودند، عبارتند از: «عایشة، حفصة، أم سلمة، زینب دختر جحش، میمونه دختر حارث، أم حبیبة، صفیة، جویریة، سودة. و با فضیلت ترین همسران آن حضرت به ترتیب: ام المؤمنین حضرت خدیجه، سپس ام المؤمنین أم سلمه، و بعد از ایشان ام المؤمنین میمونه سلام الله علیهن می باشند.

۴. پیش قدم بودن حضرت خدیجه سلام الله علیها در اظهار اسلام

پس از دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله، آن حضرت با مخالفت های شدیدی برخورد داشتند. عده

ای انگشت اتهام را به سمت ایشان گرفته و گروهی دیگر ایشان را از این کار منع می کردند.

اما کسانی که در این مسیر فقط رضایت الهی را در پیش گرفته بودند، از هیچ تهدیدی نهراسیده و در مسیر اسلام وارد شدند. اولین نفر از مردان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیه و اولین زن مسلمان حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها بوده است که اظهار اسلام کردند.

این مساله به تنهایی فضیلتی برای ایشان محسوب می شود که خود حاکی از بینش ژرف و شعله های توحیدی است که در جان آن دو بزرگوار شعله ور بوده است و کسی در این فضیلت بر آنان پیشی نگرفته است. این نکته باید مورد دقت قرار گیرد حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها قبل از اظهار اسلام، ذره ای از شرک و رجس در وجود ایشان رخنه نکرده است و بر روش توحید و یکتاپرستی بوده اند.

آن حضرت در زمان جاهلیت به «طاهره» معروف بود و قطعاً طاهره در اینجا فقط به معنای دوری ایشان از اعمال منافی عفت نیست زیرا انجام این کارها در میان زنان قریش مرسوم نبوده که بخواهند ایشان را با این لقب از آنها استثناء کنند بلکه اعمال منافی عفت در میان بزرگان قریش امری منفور بوده و به تصریح قرآن برخی از افراد کنیزان خود را مجبور به این کار می کردند چنانچه قرآن کریم می فرماید:

لَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبُعَاءِ إِنَّ أَرْدَنَ نَحْصًا لِيَتَّبِعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ
إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

سوره نور، آیه ۳۳

«و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می خواهند پاک بمانند! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد)، خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است!»

بنابراین طاهره بودن ایشان به این معناست که از تمامی رجس ها و پلیدی های جاهلیت به دور بودند.

محمد بن علوی مالکی یکی از علمای معاصر مالکی مذهب نیز به این مطلب تصریح می کند:

وقد حفظها الله تعالى من أرجاس الجاهلية ، فأحاط عرض هذه السيدة الزكية وصانه من كل أذية و بلية برعايته وعنايته الباهرة ولذلك كانت تلقب بالسيدة الطاهرة.

محمد بن علوي المالكي، مناقب خديجة الكبرى، ص 5 ، طبق نرم افزار مكتبة اهل البيت عليهم السلام.

خداوند متعال ایشان را از تمامی پليدي هاي جاهليت حفظ نمود و اين بانوي پاک را از هر جهت با خير ونيكي احاطه نمود و با عنايت نوراني و ويژه خود، او را از هر آزار و سختي و اندوهي حفظ نمود و به همين خاطر (در جاهليت) به «بانوي پاک» ملقب گرديد.

در زيارت امام حسين عليه السلام [زيارت وارث] مي خوانيم: لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها.

از اين عبارت به دست مي آيد كه تمامی پدران و مادران اهل بيت عليهم السلام از جمله حضرت خديجه

سلام الله عليها، موحد و يكتا پرست بوده اند و ذره اي شرک و كفر در وجود آنها راه نداشته است.

صاحب مكيال المكارم درباره اينكه اهل بيت عليهم السلام امانت الهي هستند، چنين مي نويسد:

المحفوظة يعني حفظها الله عز وجل عن أقدار الجاهلية وأنجاسها وأدناس الضلالة وأرجاسها بأن لم يودعها

إلا الأصلاب الطاهرة والأرحام المطهرة فإن اعتقادنا كما عليه الإجماع بل الضرورة أن آباءهم الذين استودعوا تلك

الأمانة الإلهية من الخاتم إلى آدم ، كانوا بأجمعهم مؤمنين طاهرين ، لم يشركوا بالله تعالى طرفة عين وكذلك

أمهاتهم اللاتي استودعن تلك الأمانة كما في الزيارة " لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك من مدلهمات

ثيابها " .

الموسوي الأصفهاني، ميرزا محمد تقي (متوفاي ۱۳۴۸هـ)، مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم (عليه

السلام)، ج ۱ ص ۳۶۸ ، تحقيق العلامة السيد علي عاشور، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان،

الطبعة الأولى ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م .

حفظه يعني خداوند عزوجل اين امانت را از پليدي هاي جاهليت و كثافت ها و نجاست هاي ضلالت

نگهداري کرده و به اين كه آنان را جز در صلب هاي پاكيژه و رحم هاي مطهره به وديعت نسپرده است زيرا

که اجماع علمای شیعه - بلکه ضرورت مذهب - بر این است که پدران ائمه علیهم السلام که امانت الهی در آنان به ودیعه نهاده شده بود - از خاتم تا آدم - همگی مؤمن و پاکیزه بودند و حتی یک چشم به هم زدن به خداوند شرک نورزیدند. همچنان مادران ایشان که این امانت به ایشان سپرده می شد، چنان چه در زیارت آمده است: پلیدی های جاهلیت تو را نیالود و از جامه های تیره و تارش بر تو نپوشید.

مرحوم امام خمینی نیز چنین می فرماید:

أشهد أنك كنت نورا في الأصلاب الشامخة والأرحام المطهرة ، لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها ، ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها. فإن هذه الفقرات الشريفة تدل على ما ذكرنا من دخالة المادة النورية التي في الأصلاب ، وشموخ الأصلاب ، وطهارة الأرحام ، وتنزيه الآباء والأمهات من قذارات الجاهلية من الكفر وذمائم الأخلاق وقبائح الأعمال ، في طهارة الولد ونورانيته

الخميني، السيد روح الله، (متوفاي ۱۴۱۰ هـ)، أنوار الهداية، ج ۱ ص ۸۳ ، تحقيق : مؤسسة تنظيم ونشر آثار الإمام الخميني، الطبعة: الأولى، المطبعة: مكتب الإعلام الإسلامي، دار النشر: مؤسسة تنظيم ونشر آثار الإمام الخميني قدس سره، ذي القعدة ۱۴۱۳ - ۱۳۷۲ ش.

شهادت می دهم که تو نوری در صلب های شریف و رحم های پاک که پلیدی های جاهلیت تو را نیالود و از جامه های تیره و تارش بر تو نپوشید. این فقره شریفه بر آنچه که ما ذکر کردیم که ماده نوری در صلب ها بوده و شرافت صلب ها و پاکي رحم ها و به دور بودن پدران و مادران از کثیفی های جاهلیت در کفر و بدی های اخلاقی و زشتی اعمال در طهارت فرزند و نورانیت او، دلالت دارد.

از طرفی با توجه به اینکه در قرآن مشرکان نجس خوانده شده اند «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» سوره توبه آیه ۲۸ ، اگر حتی یکی از پدران و مادران اهل بیت علیهم السلام مشرک باشند . اطلاق عبارت زیارت وارث «لم تنجسك الجاهلية بأنجاسها» صحیح نخواهد بود. بنابراین حضرت خدیجه سلام الله علیها قطعا قبل از رسالت هم موحد بوده اند.

حال بعد از این مقدمه، به بحث پیش قدمی حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها در اسلام می پردازیم.

در امالی شیخ طوسی رحمه الله آمده است:

سلمان الفارسی (رضی الله عنه)، قال: دخلت علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی مرضه الذی قبض فیهِ، قال: إن علیاً أول من آمن بالله (عز و جل) و رسوله من هذه الأمة، هو و خدیجة أُمک.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)؛ النص؛ ص ۶۰۶ دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۲۲؛ ص ۵۰۲ دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.

سلمان فارسی می گوید: در بیماری که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از آن به لقاء الله پیوست، محضر ایشان شرفیاب شدم ... ایشان [خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها] فرمود: همانا علی (علیه السلام)، نخستین شخص از این امت است که به خدا و رسولش ایمان آورد، علی (علیه السلام) و خدیجه (سلام الله علیها) مادر تو اولین افرادی هستند که اسلام آوردند.

شیخ طوسی نیز روایت دیگری را چنین نقل کرده است:

أخبرنا أبو عمر، قال: أخبرنا أحمد، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن یحیی الجعفی، قال: حدثنا أبي، قال: حدثنا الحسين بن عبد الکریم - و هو أبو هلال الجعفی -، قال: حدثنا جابر بن الحر النخعی، قال: حدثني عبد الرحمن بن میمون أبو عبد الله، عن أبيه، قال: سمعت ابن عباس يقول: أول من آمن برسول الله (صلی الله علیه و آله) من الرجال علی، و من النساء خدیجة (رضی الله عنهما).

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۲۵۹، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

ابن عباس گفت: اولین مردی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، علی و از زنان، خدیجه بود.

مرحوم کراجکی رحمه الله روایت دیگری را از محدثین چنین نقل کرده است:

روی المحدثون و سطر المصنفون .. فكان أول من آمن به من النساء خديجة و من الذكور أمير المؤمنين

علي بن أبي طالب و عمره يومئذ عشر سنين.

کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۵۲ - ۲۵۶ دارالذخائر - ایران ؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۳۵ ؛ ص ۴۴ دار إحياء التراث العربي -

بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

محدثین نقل و مصنفین نوشته اند ... اولین زنی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، خدیجه و از

ذکور [مردان] امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیهما بود در حالی که سنش در آن روز، ده ساله

بود.

مرحوم سید بن طاووس رضوان الله تعالی علیه نیز چنین می نویسد:

وذلك أن رسول الله (ص) نبع يوم الاثنين واسلم على يوم الثلاثاء ، ثم أسلمت خديجة بنت خويلد زوجة

النبي.

السید ابن طاووس الحسني الحسيني، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، (المتوفی ۶۶۴ هـ)

سعد السعود، ص ۸۶ ، ص ۱۰۶، الناشر : منشورات الرضى - قم، الطبعة : أمير - قم.

رسول خدا در روز دوشنبه به نبوت مبعوث شد و علی در روز سه شنبه مسلمان شد و سپس خدیجه دختر

خویدل همسر پیامبر ایمان آورد.

ابن کثیر دمشقی پیرامون اولین زنی که اسلام آورده است، چنین می نگارد:

أن خديجة أول من أسلمت من النساء.

ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای ۷۷۴ هـ)، البداية والنهاية، ج ۷ ص ۲۲۳ ،

ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

خدیجه اولین زنی است که اسلام آورد.

ابن هشام نیز در فصلي پيرامون اسلام حضرت خديجه و ايمان ان بانوي بزرگ چنين مي نويسد:

إسلام خديجة بنت خويلد ... وكانت أول من آمن بالله وبرسوله وصدق بما جاء منه.

الحميري المعافري، ابومحمد عبد الملك بن هشام بن أيوب (متوفى ٢١٣هـ)، السيرة النبوية، ج ٢ ص ٧٧ ،

تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ناشر: دار الجيل، الطبعة: الأولى، بيروت - ١٤١١هـ .

[فصلي در] اسلام خديجه ... او اولين [زني] بود که به خدا و رسولش ايمان آورد و هر چه که او از جانب

خدا آورده بود تصديق کرد.

ذهبي نیز در ذيل شرح حال قثم بن العباس تصريح مي کند که مادرش دومين زني است که بعد از

حضرت خديجه کبري سلام الله عليها ايمان آورده است:

أمه هي أم الفضل لبابة بنت الحارث الهلالية ، وكانت ثانية امرأة أسلمت ، أسلمت بعد خديجة . قاله

الكلبي.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨هـ)، سير أعلام النبلاء، ج

٣ ص ٤٤٠ ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة:

التاسعة، ١٤١٣هـ .

مادرش ام الفضل، لبابه دختر حارث الهلاليه است. او دومي زني است که مسلمان شد. بعد از خديجه

اسلام آورد. اين کلام را کلبی گفته است.

٥. برتري ام المؤمنين حضرت خديجه کبري سلام الله عليها برترين همسر

در بخش قبل گذشت که اولين زني که به دين مابين اسلام گرويد و تسليم امر الهي گرديد، حضرت

خديجه کبري سلام الله عليها مي باشد که خود بهترين منقبت و فضيلت براي ايشان مي باشد.

عيني از علماي اهل سنت پيرامون برتري حضرت خديجه کبري سلام الله عليها را چنين نقل مي کند:

وهل هي أفضل من خديجة بنت خويلد فيه خلاف فقال بعضهم عائشة أفضل وقال آخرون خديجة أفضل
وبه قال القاضي والمتولي وقطع ابن العربي المالكي وآخرون وهو الأصح.

العيني الغيتابي الحنفي، بدر الدين ابو محمد محمود بن أحمد (متوفى ٨٥٥هـ)، عمدة القاري شرح صحيح
البخاري، ج ١ ص ٣٨ ، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

و آیا او [عائشه] از خدیجه دختر خویلد برتر است؟ در این مساله اختلاف است. برخی از علما گفته اند
عائشه برتر است و دیگران گفته اند که خدیجه افضل است و این قول قاضی و متولی بوده و به این قول ابن
عربی مالکی و دیگران یقین کرده اند و قول صحیح تر همین است.

عاصمي مكي نیز دیدگاه علمای اهل سنت پیرامون برتری ایشان را چنین نقل می کند:

قال الشيخ ولي الدين العراقي خديجة افضل أمهات المؤمنين على الصحيح المختار.

وقال شيخ الإسلام زكريا الأنصاري في شرح بهجة الحاوي المسمى بالغرر البهية في شرح البهجة الوردية
افضلهن خديجة وعائشة وفي افضليتهما خلاف صحح ابن العماد تفضيل خديجة لما ثبت أنه قال لعائشة حين
قالت له لا تزال تلهج بذكر خديجة إن هي إلا عجوز من عجائز قريش كأنى انظر إلى حمرة شديها ودردها وقد
رزقك الله خيرا منها فقال عليه الصلاة والسلام لا والله ما رزقني خيرا منها آمنت حين كفر بي الناس وصدقني
حين كذبنى الناس واعطتني مالها حين حرمني الناس.

وسئل ابن داود ايهما افضل فقال عائشة اقرأها النبي السلام عن جبريل وخديجة اقرأها السلام جبريل
من ربها على لسان محمد فهي أفضل.

وسئل العلامة السبكي عن ذلك فقال الذي نختاره وندين الله به إن فاطمة بنت محمد افضل من امها
خديجة ثم امها خديجة ثم عائشة.

وقال ابن النقاش إن سبق خديجة وتأثيرها في أول الإسلام ومؤازرتها ونصرتها وقيامها في الدين لله
بمالها ونفسها لم يشركها فيه أحد لا عائشة ولا غيرها من أمهات المؤمنين.

العاصمي المكي، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي (متوفى ١١١هـ)، سمط النجوم العوالي في
أبناء الأوائل والتوالي، ج ١ ص ٤٣١-٤٣٤، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض، ناشر: دار
الكتب العلمية.

شيخ ولي الدين عراقي چنین گفته است: خدیجه بنابر بر قول صحیحی که اختیار کرده ام، برترین مادر
مؤمنان است.

شيخ الاسلام زكريا انصاري در شرح بهجة الحاوي که نامش الغرر البهية في شرح البهجة الوردية مي باشد
چنين گفته است: افضل زنان خديجه و عايشه هستند و در اينکه کدام يك برتر است، ابن عماد [حنبلي]
برتري خديجه را [بر عايشه] صحيح شمرده است به خاطر [روايتي که] پيامبر به عايشه هنگامي که هيچ وقت
از ياد آوري حضرت خديجه سلام الله عليها خوشش نمي آمد و مي گفت که او فقط پيرزني از پيرزنان قریش
بود و انگار که من به لثه هاي قرمز رنگ او و دهانش نگاه مي کنم در حالي که خداوند بهتر از او را روزي تو
کرده است، فرمود: به خدا قسم چنين نيست [يعني خداوند بهتر از خديجه را به من نداده است]، او به من
ايمان آورد هنگامي که مردم به من کافر شده بودند و مرا تصديق کرد هنگامي که مردم مرا تکذيب مي
کردند و مالش را به من داد هنگامي که مردم مرا [از مالشان] منع کرده بودند.

از ابو داود [ظاهري] سوال شد کدام يك افضل اند؟ گفت: عايشه، پيامبر سلام جبرئيل را به او ابلاغ کرد و
خديجه، جبرئيل از جانب خداوند سلام را بر محمد خواند [و ايشان به حضرت خديجه سلام الله عليها سلام
خداوند را رساندند] پس او [حضرت خديجه سلام الله عليها] برتر است.

از سبكي نیز در اين مورد سوال شد. پاسخ داد: آنچه ما آن را پسندیده و به واسطه آن خدا را دينداري مي
کنيم، فاطمه دختر محمد از مادرش خديجه برتر است و سپس خديجه و سپس عايشه برتر است.

ابن نقاش چنین گفته است: سبقت خدیجه و تاثیر او در اول اسلام و کمک و نصرت و قیام او در راستای دین خدا با اموال و جان خویش، کسی در این زمینه با او مشارکت نکرد چه عایشه و چه غیر او از مادران مؤمنان.

همین عبارت سبکی که عاصمی از او نقل کرده است نیز ابن حجر در فتح الباری آورده است.

رک: العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۷ ص ۱۰۹، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

وی در ادامه به نکته ای اشاره می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه چیزی را برای ایشان می آوردند، آن را برای دوستان حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها می فرستادند چنان چه می نویسد:

وعن أنس رضي الله عنه قال قال رسول الله إذا أتى بشيء يقول اذهبوا به إلى بيت فلانة فإنها كانت صديقة لخديجة.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفای ۲۵۶ هـ)، الأدب المفرد، ج ۱ ص ۹۰، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، ناشر: دار البشائر الإسلامية - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹ م.

التميمي البستي، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفای ۳۵۴ هـ)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، ج ۱۵ ص ۴۶۷، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴ ص ۱۹۴، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

و انس از نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که چیزی برای ایشان می آوردند، می فرمودند: به خانه فلان زن بروید چرا که او دوست خدیجه بوده است.

حاکم نیشابوری بعد از نقل این روایت می نویسد:

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

این حدیث صحیح السندي است که بخاري و مسلم آن را نقل نکرده اند.

همچنین در نقلي ديگر آمده است هنگامي که گوسفندي ذبح مي شد، رسول خدا صلي الله عليه و آله دستور مي دادند تا از آن گوسفند براي دوستان حضرت خديجه کبري سلام الله عليها ببرند و اين امر موجب عصبانيت عايشه شده و وي پیامبر ار خشمگين ساخته است چنان چه مسلم بن حجاج نيشابوري مي نويسد:

حدثنا سَهْلُ بن عُمَانَ حَدَّثَنَا حَفْصُ بن غِيَاثٍ عن هِشَامِ بن عُرْوَةَ عن أَبِيهِ عن عَائِشَةَ قالت ما غَزَتْ على نِسَاءِ النبي صلي الله عليه وسلم إلا على خَدِيجَةَ وَإِنِّي لم أُدْرِكْهَا قالت وكان رسول الله صلي الله عليه وسلم إذا ذَبَحَ الشَّاةَ فيقول أَرْسَلُوا بها إلى أَصْدِقَاءِ خَدِيجَةَ قالت فَأَغْضَبْتُهُ يَوْمًا فقلت خَدِيجَةَ فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم إِنِّي قد رَزَقْتُ حُبَّهَا.

النيسابوري القشيري، ابوالحسين مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۴ ص ۱۸۸۸ ،
تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

عايشه مي گوید: بر هيچ يك زنان پیامبر جز خديجه حسادت نکردم در حالي که او را درک نکرده بودم و رسول صلي الله عليه و آله هنگامي که گوسفندي را ذبح مي کرد، دستور مي داد تا براي دوستان خديجه بفرستند. عايشه مي گوید: روزي پیامبر ار خشمگين کردم. رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود: محبت او روزي من شده است.

شاید همین قضیه محبت بي حد و حصر رسول خدا صلي الله عليه و آله بوده است که عايشه نسبت به حضرت خديجه کبري سلام الله عليها حسادت مي ورزيده است. بخاري در صحیح خود از قول عايشه چنين مي نويسد:

حدثني أَحْمَدُ بن أَبِي رَجَاءٍ حَدَّثَنَا النَّضْرُ عن هِشَامِ قال أخبرني أبي عن عَائِشَةَ أنها قالت ما غَزَتْ على امرأةٍ لِرَسُولِ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم كما غَزَتْ على خَدِيجَةَ لِكَثْرَةِ ذِكْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم إياها وَتَنَائِهِ عليها وقد أُوجِي إلى رسول الله صلي الله عليه وسلم أَنْ يَبَشِّرَهَا بِبَيْتٍ لها في الْجَنَّةِ من قَصَبٍ.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ص ۱۳۳۲، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

عایشه می گوید: آن قدر که بر خدیجه حسادت می کردم، بر هیچ یک از همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله حسادت نمی کردم، زیرا آن حضرت از ایشان بسیار یاد می کرد و از او تمجید می نمود. به پیامبر وحی شد که به او بشارت خانه ای از قصب (نوعی سنگ سبز رنگ) در بهشت بدهد.

وقتی عایشه رفتار های محبت آمیز رسول خدا صلی الله علیه و آله را نسبت به حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها می دید، دریافته بود که حضرت خدیجه صلوات الله علیها مقامی ویژه نزد رسول خدا دارد و آن حضرت حتی هدایایی برای دوستان و آشنایان حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها ارسال می کنند. او در صد بود تا اینگونه وانمود کند که او بهتر از ام المؤمنین، حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها بوده است در حالی که پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله با پاسخ خود به عایشه، به او فرمودند که هیچ کسی خدیجه نمی شود چنان چه احمد در مسند خود با سند معتبر چنین نوشته است:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسحاق أنا عبد الله قال أنا مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان النبي صلى الله عليه وسلم إذا ذكر خديجة أثنى عليها فأحسن الثناء قالت فغرت يوماً فقلت ما أكثر ما تذكرونها حمراء السدق قد أبدلك الله عز وجل بها خيراً منها قال ما أبدلني الله عز وجل خيراً منها قد آمنت بي إذ كفر بي الناس وصدقتني إذ كذبني الناس وواستني بما لها إذا حرمني الناس ورزقني الله عز وجل ولدها إذ حرمني أولاد النساء.

الشيبياني، أحمد بن حنبل ابو عبدالله (متوفى ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۶ ص ۱۱۷، ح ۲۴۹۰۸، ناشر:

مؤسسة قرطبة - مصر.

عایشه می گوید: رسول خدا هرگاه به یاد خدیجه می افتاد از او به نیکی یاد می کرد. روزی حسادت بر من چیره شد و گفتم: چه زیاد از آن پیر زن بی دندان یاد می کنید؟ همانا خداوند بهتر از او نصیب شما فرموده

است. رسول خدا فرمود: خداوند بهتر از او نصیب من نفرموده است، زیرا هنگامی که همه مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق می کرد و هنگامی که مردم مرا محروم می داشتند او با اموال خود من را یاری می کرد و خداوند فرزندان مرا، از او به من عنایت فرمود و حال آنکه از غیر او فرزندی به من عنایت نفرمود.

تصحیح سند روایت:

ابن کثیر دمشقی بعد از نقل این روایت می گوید:

تفرد به أحمد أيضا وإسناده لا بأس به.

ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشي (متوفای ۷۷۴هـ)، السیرة النبویة، ج ۲ ص ۱۳۵،

طبق برنامه الجامع الكبير؛

ابن کثیر دمشقی، إسماعیل بن عمر ابوالفداء القرشي (متوفای ۷۷۴هـ)، البداية والنهاية، ج ۳ ص ۱۲۸،

ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

تنها احمد این را نقل کرده است، سند آن اشکالی ندارد.

و هیثمی نیز می گوید:

رواه أحمد وإسناده حسن.

الهیثمی، ابوالحسن علی بن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹ ص ۲۲۴، ناشر:

دار الریان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷هـ.

احمد آن را نقل کرده و سند آن «حسن» است.

این سخن عایشه آنقدر بر پیامبر سخت بود که خود وی تصریح می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله

از این سخن خشمگین شده است:

حدثنا محمد بن الفضل السَّقَطِي ثنا سَعِيدُ بن سُلَيْمَانَ ثنا مُبَارَكُ بن فَصَالَةَ عن هِشَامِ بن عُرْوَةَ عن أبيه عن عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَكْتَبُ ذِكْرَ خَدِيجَةَ فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ مَا تُكْتَبُ ذِكْرَ خَدِيجَةَ وَقَدْ أَخْلَفَ اللَّهُ لَكَ مِنْ خَدِيجَةَ عَجُوزَ حَمْرَاءِ الشُّدْقِيِّينَ قَدْ هَلَكَتْ فِي ذَهْرٍ فَغَضِبَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَضَبًا مَا رَأَيْتُهُ غَضِبَ مِثْلَهُ قَطُّ وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ رَزَقَهَا مِنِّي مَا لَمْ يَرْزُقْ أَحَدًا مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعَفَّ عَنِّي عَفَا اللَّهُ عَنكَ وَاللَّهِ لَا تَسْمَعُنِي أَذْكَرُ خَدِيجَةَ بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ بِشَيْءٍ تَكْرَهُهُ .

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب ابوالقاسم (متوفاي ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، ج ۲۳ ص ۱۱، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ناشر: مكتبة الزهراء - الموصل، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴هـ - ۱۹۸۳م.

از عائشه نقل شده است که رسول خدا زیاد از خديجه ياد مي کرد، من گفتم: چه قد زياد از خديجه ياد مي کنی؛ خداوند به جاي خديجه که پيرزن بي دندان بود و در زمان هاي گذشته هلاک شده (بهتر از او) را به تو داده است؛ پس رسول خدا خشمگين شد؛ به طوري که تا کنون او را هرگز اين چنين خشمگين ندیده بودم و فرمود: خداوند از او چيزي نصيب من کرده است که از هيچ يك از شما نکرده است . من گفتم: اي پيامبر خدا مرا ببخش، خداوند شما را ببخشد، سوگند به خدا که ديگر درباره خديجه از من سخني نخواهي شنيد که تو را ناراحت کند.

تصحيح سند روايت:

هيثمي بعد از نقل اين روايت مي گويد:

رواه الطبراني واسانیده حسنة.

الهيثمي، ابوالحسن علي بن أبي بكر (متوفاي ۸۰۷هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۹ ص ۲۲۴، ناشر: دار

الريان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ۱۴۰۷هـ.

طبراني اين روايت را نقل کرده و سندهاي آن «حسن» است.

ابن عبد البر در الإستيعاب، ابن جوزي در المنتظم ، ابن اثير در اسد الغابه و ديگر بزرگان اهل سنت نقل کرده‌اند که رسول خدا صلي الله عليه وآله از سخن عائشه آن قدر عصباني شد که از شدت ناراحتي موهاي جلوي سرش شروع به لرزش کرد:

عن مسروق عن عائشة قالت كان رسول الله (ص) لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجوزا فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال لا والله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت بي إذ كفر الناس وصدقني إذ كذبني الناس وواستني في مالها إذ حرمني الناس ورزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء قالت عائشة فقلت في نفسي لا أذكرها بسيئة أبدا.

النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفاي ٤٦٣هـ)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ٤ ص ١٨٢٣-١٨٢٤، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ؛

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفاي ٥٩٧هـ)، المنتظم في تاريخ الملوك والأمم، ج ٣ ص ١٨ ، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٣٥٨؛

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفاي ٥٩٧هـ)، صفة الصفوة، ج ٢ ص ٨، تحقيق: محمود فاحوري - د.محمد رواس قلعه جي، ناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م؛

الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفاي ٦٣٠هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ٧ ص ٩٥، تحقيق عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م؛

النويري، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب (متوفاي ۷۳۳هـ)، نهاية الأرب في فنون الأدب، ج ۱۸ ص ۱۱۳،
تحقيق مفيد قمحية وجماعة، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۴م؛

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفاي ۷۶۴هـ)، الوافي بالوفيات، ج ۱۳ ص ۱۸۲، تحقيق أحمد
الزناووط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م.

مسروق از عائشه نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله هیچگاه از خانه خارج نمي شد،
مگر اين که يادي از خديجه سلام الله عليها نموده و او را ستايش مي کرد؛ روزي از او روزها که از او ياد کرد،
حسادت من برانگيخته شد و گفتم: آيا او جز پيرزني بود، خداوند بهتر از او را نصيب تو کرده است. رسول
خدا از شنيدن اين سخن آن قدر خشمگين شد که موهاي جلوي سر آن حضرت مي لرزيد، سپس گفت: نه
قسم به خدا، خداوند بهتر از او را به من نداده است، او به من ايمان آورد ، زماني که مردم کافر بودند، مرا
تصديق کرد، زماني که مردم مرا تکذيب مي کردند، مالش را به من ايتار کرد در آن زمان که همه مرا محروم
کرده بودند، خداوند از او فرزندان نصيب کرد که از ديگر زنانم نداد. عائشه گفت: با خودم گفتم که ديگر
هیچگاه از او به بدی یاد نخواهم کرد.

۶. حضرت خديجه سلام الله عليها در خانه هاي بهشتي در کنار حضرت آسيه و مريم

روايتي را شيخ طوسي درباره جاينگاه بهشتي حضرت خديجه عليها السلام چنين نقل مي کند:

أخبرنا محمد بن محمد، قال: أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن
أحمد بن محمد بن عيسى، عن العباس بن عامر القصباني، عن أبان بن عثمان الأحمر، عن بريد العجلي، قال:
سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: لما توفيت خديجة (رضي الله عنها) جعلت فاطمة
(صلوات الله عليها) تلوذ برسول الله (صلى الله عليه و آله) و تدور حوله، و تقول: يا أبت، أين أمي قال: فنزل
جبرئيل (عليه السلام) فقال له: ربك يأمرك أن تقرئ فاطمة السلام، و تقول لها: إن أمك في بيت من قصب،

كعبه من ذهب، و عمده ياقوت أحمر، بين آسية و مريم بنت عمران، فقالت فاطمة (عليها السلام): إن الله هو السلام، و منه السلام، و إليه السلام.

طوسی، محمد بن الحسن، الأمالي (للطوسي) ص ۱۷۵، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ق.

امام صادق عليه السلام مي فرمايد: هنگامي که حضرت خديجه (سلام الله عليها) رحلت کرد حضرت فاطمه سلام الله عليها که کودکی بیش نبود دائما به رسول خدا پناه مي برد و در اطراف ايشان می چرخيد و مي فرمود: ای پدر! مادرم کجاست؟ امام فرمود: در اين حال جبرئيل بر پيامبر (صلي الله عليه وآله) نازل شد و گفت: خداوند می فرمايد: به فاطمه سلام برسان و به او بگو مادرت در بهشت در يك خانه ای است از نی که دیوارهای آن از طلا و ستونهای آن از یاقوت سرخ است. و در کنار «آسيه» همسر فرعون و «مريم» دختر عمران قرار دارد. و حضرت فاطمه سلام الله عليها می فرمود: خداوند سلام است و از اوست سلام و به سوی اوست سلام.

۷. مقام شفاعت حضرت خديجه كبري سلام الله عليها

در روايتي نقل شده است که حضرت خديجه عليها السلام در کنار پنج تن آل عبا، در آخرت محبان و شيعيان را شفاعت مي کند:

علي بن محمد بن علي بن سعد الأشعري عن حمدان بن يحيى عن بشر بن حبيب، عن أبي عبد الله ع أنه سئل عن قول الله عز و جل و بينهما حجاب و على الأعراف رجال قال: «سور بين الجنة و النار، قائم عليه محمد صلي الله عليه وآله و علي و الحسن و الحسين و فاطمة و خديجة ع فينادون: أين محبوبنا أين شيعتنا، فيقبلون إليهم فيعرفونهم بأسمائهم و أسماء آبائهم، و ذلك قوله تعالى يعرفون كلا بسيماهم فيأخذون بأيديهم (فيجوزون بهم) الصراط و يدخلونهم الجنة»

حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، ص ۱۷۴ مؤسسة النشر الإسلامي - ایران ؛ قم، چاپ:

اول، ۱۴۲۱ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۲۴ ؛ ص ۲۵۵، دار إحياء التراث العربي -

بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

بشر بن حبیب می گوید از امام صادق علیه السلام راجع به تفسیر آیه « بین آن دو پرده‌ای است و در اعراف مردانی هستند » ، سوال شد، امام فرمود دیواری بین بهشت و جهنم است، پیامبر صلی الله علیه وآله، علی، حسن، حسین، فاطمه و خدیجه علیهم السلام بر روی آن ایستاده‌اند فریاد می‌زنند کجایند دوستداران ما؟ کجایند شیعیان ما؟ دوستان و شیعیان را به خدمت آن بزرگواران می‌آورند که آنها را به نام و نام پدرهاشان می‌شناسند این است تفسیر آیه «هر کدام آنها را به چهره می‌شناسند» دست آنها را می‌گیرند و از پل صراط عبور می‌دهند و وارد بهشت می‌نمایند.

در این روایت حضرت خدیجه در کنار معصومین علیهم السلام محبین و شیعیان را شفاعت می‌کند.

۸. بهشت مشتاق حضرت خدیجه سلام الله علیها

در روایتی نقل شده است که بهشت مشتاق چهار زن می‌باشد که یکی از آنها حضرت خدیجه علیها

السلام است؛ علامه مجلسی روایت را چنین نقل می‌کند:

و من کتاب مولد فاطمة لابن بابويه روي أن النبي ص قال: اشتاقت الجنة إلى أربع من النساء مريم بنت

عمران و آسية بنت مزاحم زوجة فرعون و هي زوجة النبي ص في الجنة و خديجة بنت خويلد زوجة النبي ص في

الدنيا و الآخرة و فاطمة بنت محمد ص.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ، ج ۴۳ ، ص ۵۳، دار إحياء التراث العربي -

بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

در کتاب «مولد فاطمه» نوشته ابن بابویه روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
بهشت مشتاق چهار زن می‌باشد: مریم دختر عمران، آسیه زن فرعون که در بهشت همسر پیامبر (صلي الله
عليه وآله) است و خدیجه (سلام الله عليها) که همسر حضرت در دنیا و آخرت می‌باشد و حضرت فاطمة
(سلام الله عليها).

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت خدیجه علیها السلام در بهشت دارای خیمه مخصوصی
می‌باشد:

حدثنا أحمد بن محمد عن جعفر بن محمد بن مالك الكوفي عن محمد بن عمار عن أبي بصير قال: كنت
عند أبي عبد الله ع فركض برجله الأرض فإذا بحر فيه سفن من فضة فركب و ركبت معه حتى انتهى إلى موضع
فيه خيام من فضة فدخلها ثم خرج فقال رأيت الخيمة التي دخلتها أولاً فقلت نعم قال تلك خيمة رسول الله ص و
الأخرى خيمة أمير المؤمنين ع و الثالث خيمة فاطمة و الرابعة خيمة خديجة و الخامسة خيمة الحسن و السادسة
خيمة الحسين و السابعة خيمة علي بن الحسين و الثامنة خيمة أبي و التاسعة خيمتي و ليس أحد منا يموت إلا
و له خيمة يسكن فيها.

صغار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله عليهم، ج ۱؛ ص ۴۰۵ مكتبة آية الله
المرعشي النجفي - ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

ابو بصیر می‌گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که با پای خود به زمین زد، دریائی پیدا شد که
در آن کشتیهائی از نقره بود من و حضرت سوار يك کشتی شدیم تا رسیدیم به محلی که خیمه‌هائی از نقره
برپا بود حضرت داخل آنها شد و خارج شد به من فرمود دیدی خیمه اولی که داخل شدم. گفتم آری فرمود
آن خیمه پیامبر (صلي الله علیه وآله) است دیگری خیمه امیر المؤمنین (علیه السلام) سومی خیمه فاطمه
(سلام الله عليها) چهارم خیمه خدیجه (سلام الله عليها) پنجم خیمه امام حسن (علیه السلام) ششم خیمه

حضرت حسین (علیه السلام) هفتم خیمه علی بن الحسین (علیه السلام) هشتم خیمه پدرم و نهم خیمه من هر يك از ما از دنیا برود در یکی از این خیمه‌ها ساکن می‌شود.

۹. حضرت خدیجه سلام الله علیها از مقربین و سابقین

علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه روایتی را چنین نقل می‌کند:

عن جابر بن عبد الله رضي الله عنه عن النبي ص قال: قوله تعالى و مزاجه من تسنيم قال هو أشرف شراب في الجنة يشربه محمد و آل محمد و هم المقربون السابقون رسول الله ص و علي بن أبي طالب و الأئمة و فاطمة و خديجة صلوات الله عليهم و ذريتهم الذين اتبعتهم بإيمان ليتسنم عليهم من أعالي دورهم.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۸، ص ۱۵۰، دار إحياء التراث العربي - بیروت،

چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

جابر بن عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آیه: «و مزاجه من تسنيم» نقل کرده است که حضرت فرمودند: عالیتترین آشامیدنی است که در بهشت وجود دارد که محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله از آن می‌نوشند، مصداق مقربین و سابقون از رسول الله (صلي الله عليه وآله) و علی بن ابی طالب، فاطمه، خدیجه علیهم السلام و فرزندان آنها هستند که از نظر ایمان پیروشان بوده‌اند این نهر از بالای قصر بهشتی آنها فرو می‌ریزد.

۱۰. انفاق تمام اموال در راه اسلام و پیامبر (صلي الله عليه وآله)

در روایتی از ابن عباس در ذیل آیه «وَّ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي» آمده است که مراد بی‌نیاز کردن پیامبر

صلي الله عليه و آله توسط اموال حضرت خدیجه می‌باشد.

شیخ صدوق روایت را چنین نقل می‌کند:

حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريا القطان قال حدثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال حدثنا تميم بن بهلول عن أبيه عن أبي الحسن العبدى عن سليمان بن مهران عن عباية عن ابن عباس قال: سألته عن قول الله عز و جل أ لم يجدك يتيما فأوى قال إنما سمي يتيما لأنه لم يكن له نظير على وجه الأرض من الأولين و لا من الآخرين فقال الله عز و جل ممتنا عليه بنعمته- أ لم يجدك يتيما أي وحيدا لا نظير لك- فأوى إليك الناس و عرفهم فضلك حتى عرفوك و وجدك ضالا يقول منسوباً عند قومك إلى الضلالة فهداهم لمعرفتك- و وجدك عائلا يقول فقيرا عند قومك يقولون لا مال لك فأغنك الله بمال خديجة ثم زادك من فضله فجعل دعائك مستجابا حتى لو دعوت على حجر أن يجعله الله لك ذهباً لنقل عينه إلى مرادك و أتاك بالطعام حيث لا طعام و أتاك بالماء حيث لا ماء و أغناك بالملائكة حيث لا مغيث فأظفرك بهم على أعدائك.

ابن بابويه، محمد بن على، معاني الأخبار؛ النص؛ ص ۵۲ دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

عبایه گوید از ابن عباس از معنی آیه: أ لم يجدك يتيما فأوى، آیا خداوند تو را یتیم نیافت پس در پناه خود حفظ فرمود (که چرا آن حضرت را یتیم نامیده؟). پرسیدند.

گفت از این جهت آن حضرت را یتیم نامیدند چون روی زمین از اولین و آخرین همانند نداشت پس خداوند برای اظهار امتنان نعمت بر حضرت فرمود: «أ لم يجدك يتيما فأوى»، یعنی آیا تنها نبودى و همانند و نظیر نداشتى پس خداوند مردم را به طرف تو جمع کرد و فضیلت تو را بر مردم آشکار کرد تا آنکه تو را شناختند «و وجدك ضالا فهدى»، در میان اقوام و طائفه خود تو را گمراه می خواندند پس خداوند آنها را بوسیله معرفت تو هدایت کرد «و وجدك عائلا فأغنى»، و به تو می گفتند که فقیر هستى و اموال و ثروتى نداری پس خداوند بسبب اموال خدیجه سلام الله علیها تو را ثروتمند و بی نیاز کرد و فضیلت و عزت تو را زیاد کرد و دعاهای تو را مستجاب نمود تا جایی که اگر دعا کنى و از خدا درخواست کنى که سنگى را برایت طلا گرداند در همان لحظه طلا می کند و در مواقعی که غذا نداشتى برای تو غذا فرستاد و هر گاه تشنه می شدى

آب برایت مهیا کرد، و در آن روزهایی که یاور نداشتی تو را بسبب ملائکه یاری کرد و تو را بر دشمنانت پیروز ساخت.

سمرقندی از مفسرین اهل سنت نیز چنین می نویسد:

ثم قال عز وجل (ووجدك عائلا فأغنى) يعني وجدك فقيرا بلا مال فأغناك بمال خديجة.

السمرقندي، نصر بن محمد بن أحمد ابواللیث (متوفای ۳۶۷ هـ)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، ج

۳ ص ۵۶۸، تحقیق: د. محمود مطرچی، ناشر: دار الفکر - بیروت.

سپس خداوند عزوجل فرمود: ووجدك عائلا فأغنى. یعنی تو را یافت در حالی که فقیر بودی و مالی

نداشتی و به واسطه مال خدیجه تو را غنی گردانید.

۱۱. حضرت خدیجه سلام الله علیها مصداق «ازواجنا» در آخر سوره فرقان

در تفسیر فرات کوفی چنین نقل شده است:

[فرات] قال حدثني علي بن حمدون [قال حدثنا علي بن محمد بن مروان قال حدثنا علي بن يزيد عن

جرير عن عبد الله بن وهب عن أبي هارون] عن أبي سعيد في قوله [تعالى] «هب لنا من أزواجنا و ذرياتنا قرّة

أعين و اجعلنا للمتقين إماما» قال النبي ص قلت [لجبرئيل ع يا جبرئيل] من أزواجنا قال خديجة قال قلت و

من ذرياتنا قال فاطمة قلت و من قرّة أعين قال الحسن و الحسين قلت و اجعلنا للمتقين إماما [و من

للمتقين إماما] قال علي بن أبي طالب عليه السلام.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۹۴، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي -

تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۴، ص ۱۳۵، دار إحياء التراث العربي -

بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۵۶، مؤسسه بعثه - قم، چاپ: اول،

۱۳۷۴ ش.

از ابو سعید خدری درباره آیه «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان» نقل شده است که پیامبر (صلي الله عليه وآله) فرمود به جبرائیل گفتم ای جبرائیل مقصود از «ازواجنا» چه کسی است؟ فرمود: خدیجه (سلام الله عليها) گفتم من «ذریاتنا» چه کسی است؟ گفتم فاطمه (سلام الله عليها) گفتم «قره اعین = نور چشم» کیست؟ گفتم حسن (سلام الله عليها) و حسین (سلام الله عليها) گفتم «واجعلنا للمتقین اماما» چه کسی است؟ گفتم علی بن ابی طالب (سلام الله عليها).

علی بن ابراهیم روایت دیگری را نیز چنین نقل کرده است:

و روی غیره أن «أزواجنا» خدیجة و ذریاتنا فاطمة «و قره أعین» الحسن و الحسین «و اجعلنا للمتقین

إماما» علی بن ابی طالب علیه السلام.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۱۷ دار الکتاب - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ق.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۵۶، مؤسسه بعثه - قم، چاپ: اول،

۱۳۷۴ ش.

۱۲. بیعت حضرت خدیجه با حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله عليهم اجمعین

پیامبر صلي الله عليه و آله بعد از اینکه به رسالت مبعوث شد، حضرت علی علیه اسلام و حضرت خدیجه

کبری سلام الله عليها به ایشان ایمان آورده و بیعت کردند بعد از بیعت پیامبر صلي الله عليه و آله، حضرت از

همسرش خواست که با امام بعد از پیامبر یعنی حضرت علی علیه السلام بیعت کند و به ولایت ایشان اقرار کند

که حضرت خدیجه سلام الله عليها بی درنگ با حضرت علی علیه السلام بیعت کرد:

ثم قال يا خديجة هذا علي مولاك و مولى المؤمنين و إمامهم بعدي قالت صدقت يا رسول الله قد بايعته
على ما قلت أشهد الله و أشهدك و كفى بالله شهيدا عليما.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۱۸ ؛ ص ۲۳۳ دار إحياء التراث العربي -
بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای خدیجه! این علی است مولای تو و مولا و امام مومنین بعد از من.
خدیجه فرمود: راست فرمودی ای رسول خدا! همانا من همان گونه که شما فرمودی با او بیعت کردم؛
خداوند و تو را بر این کار شاهد می گیرم و همانا برای شهادت خداوند گواه و دانا کفایت می کند.

۱۳. حضرت خدیجه سلام الله علیها، زن مبارک و صدیقه

سید بن طاووس در کتاب اقبال الاعمال خود، نقلی را آورده است که خداوند ویژگی‌هایی و خصوصیات
پیامبر آخر الزمان را برای حضرت عیسی علیه السلام می‌شمرد که یکی از خصوصیات آن، وجود همسر مبارک و
راستگو برای ایشان بود:

نسله من مبارکه صدیقه یکون له منها ابنة لها فرخان سیدان یستشهدان.

ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال (ط - القدیمة) ؛ ج ۱ ؛ ص ۵۰۹ دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ:
دوم، ۱۴۰۹ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۲۱ ؛ ص ۳۱۷ دار إحياء التراث العربي -
بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از زن مبارکه و صدیقه ای است که آن پیامبر از آن زن دختری دارد و آن
دختر دو فرزند دارد [حسنین علیهما السلام] که سرور و آقایند و شهید می شوند.

همچنین در زیارتنامه منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام چنین آمده است:

السلام على أزواجك الطاهرات الخيرات أمهات المؤمنين خصوصا الصديقة الطاهرة الزكية الراضية

المرضية خديجة الكبرى أم المؤمنين.

مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٩٧ ؛ ص ١٨٩ دار إحياء التراث العربي -

بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.

سلام بر همسران پاك و نيك تو، مادران مومنان به خصوص سلام بر بانوي راستين و پاك و پاكيزه،

خشنود و پسندیده، خديجه بانوي بزرگ، مادر مومنان عليها السلام.

١٤. حضرت خديجه كبرى سلام الله عليها مايه آرامش و تسكين قلب پیامبر صلي الله عليه و آله

وقتي كه پیامبر صلي الله عليه و آله كفار و مشركين و بت پرستان را به دين اسلام دعوت مي كرد،

قريش ايشان را اذيت کرده و مورد طعن و ناسزا قرار مي دادند، اما وقتي با باري از غم و اندوه به خانه بر

مي گشت، با دیدن حضرت خديجه عليها السلام و تسكين و دلداري ايشان، غم و اندوه از چهره پیامبر صلي الله

عليه و آله مي رفت كه خود حاكي از اين است كه در بين زنان رسول خدا صلي الله عليه و آله، هيچ كس مقامش

به مقام حضرت خديجه كبرى سلام الله عليها نمي رسیده است چنان چه رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمودند:

خَدِيجَةٌ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبْتَنِي النَّاسُ وَ أَرَزْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرْدِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَبَ.

الموفق ابن احمد بن محمد المكي الخوارزمي (متوفاي ٥٦٨هـ)، المناقب، ص ٣٥٠، تحقيق: الشيخ مالك

المحمودي - ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الثانية ١٤١٤ هـ.

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفاي ٦٩٣هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ١ ص

٣٧٠، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۴۳؛ ص ۱۳۱، دار إحياء التراث العربي -

بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

خدیجه و کجاست مانند خدیجه! مرا تصدیق کرد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند. و بر دین خدا یاری ام کرد و با همه مال خود کمکم نمود. خدا به من دستور داد خدیجه را به قصری از زمرد که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست بشارت دهم.

ابن حیون نیز پیرامو این فضیلت حضرت خدیجه چنین می نویسد:

و كان رسول الله صلى الله عليه و آله في ابتداء أمره إذا دعا قومه فكذبوه، و نالوا منه و هموا به، منعه منهم عمه أبو طالب. و كان سيدا مطاعا فيهم، و كان يأتي خديجة مغموما لما يناله منهم، فتهدئه، و تصبره، و تهون عليه. و بذلت ما لها له، فكان ذلك مما يعزبه. فلما كثر الاسلام و المسلمون بمكة مات أبو طالب عم رسول الله صلى الله عليه و آله ثم ماتت خديجة بعده بثلاثة أيام. و كان رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: ما اغتممت بغم أيام حياة أبي طالب و خديجة لما كان أبو طالب يدفعه عنه و خديجة تعزیه و تصبره و تهون عليه.

ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۳ ص ۱۶-۱۷، جامعه

مدرسين - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای دعوت زمانی که قوم خود را دعوت می کرد آنها تکذیبش کرده و نسبت ایشان بدگویی کردند و همت کردند او را بکشند که عمویش ابوطالب مانع می شد و او ابوطالب در نزد قوم خود سید و سرور و مورد اطاعت بوده است در این موقع (هنگامی که با عناد و لجاجت آنها مواجه می شد)، قلب حضرت پر از غم و اندوه می شد و با این حالت به حضور حضرت خدیجه سلام الله علیها می آمد در این موقع حضرت خدیجه سلام الله علیها آن حضرت را تسکین می داد و دعوت به صبر می کرد و مایه

آرامش ایشان بود و تمام اموال خود را در راه پیامبر صلی الله علیه وآله خرج کرد و این کارها مایه تسلی پیامبر صلی الله علیه وآله بود. زمانی که مسلمانان در مکه زیاد شدند حضرت ابوطالب علیه السلام عموی پیامبر صلی الله علیه وآله از دنیا رفت سپس بعد از سه روز حضرت خدیجه نیز از دنیا رحلت کرد لذا پیامبر صلی الله علیه وآله همیشه می فرمود در ایام حیات ابوطالب و خدیجه علیهما السلام غمی من را غمناک نکرد زیرا ابوطالب از او دفاع می کرد و حضرت خدیجه نیز او را تسلی می داد و مایه آرامش حضرت بود.

در جاهای دیگر نیز به این مضمون نقل شده است:

..کانت له وزیرة صدق علی الإسلام و کان یسکن إلیها

طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، ص ۵۳، اسلامیة - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۰ ق.

حضرت خدیجه سلام الله علیها برای پیامبر صلی الله علیه وآله به منزله وزیری بود که به اسلام مصدق بود، و رسول خدا بوسیله او آرامش دل پیدا می کرد.

این در حالی است که بعد از انتشار دعوت علنی اسلام و آرام شدن اوضاع به نفع دین اسلام و شخص رسول خاتم، باز هم برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها کمک حال ایشان نبودند، بلکه پیامبر را آزار و اذیت می کردند چنان چه بخاری به نقل از عمر بن الخطاب می نویسد که عائشه و حفصه با هم پیمانی خود بر ضد رسول خدا صلی الله علیه وآله بوند:

الجامع الصحیح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر : دار ابن کثیر , الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د. مصطفی دیب البغا

عن یحیی عن عبید بن حنین أنه سمع بن عباس رضي الله عنهما يحدث أنه قال مكثت سنة أريد أن

أنسأل عمر بن الخطاب عن آية فما أستطيع أن أسأله هيبة له حتى خرج حاجاً فخرجت معه فلما رجعت وكنت

بِغَضِ الطَّرِيقِ عَدَلَ إِلَى الْأَرَاكِ لِحَاجَةٍ لَهُ قَالَ فَوَقَّفْتُ لَهُ حَتَّى فَرَعَ ثُمَّ سِرْتُ مَعَهُ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
اللَّيْثَانِ تَظَاهَرْتَا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَزْوَاجِهِ فَقَالَ تِلْكَ حَفْصَةُ وَعَائِشَةُ.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفى ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۴ ص ۱۸۶۶، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷م .

از ابن عباس نقل شده است که می‌گفت: یکسالی صبر کردم تا از عمر در مورد آیه ای سوال کنم که
هیبت او مانع از سوالم می شد تا هنگامی که او برای سفر حج خارج شد و من نیز با او همراه شدم. هنگامی که
بر می گشتیم و در راه بودیم، و برای حاجتی به کنار درختی رفت. منتظر ماندم تا [کارش] تمام شود و سپس با
او همراه شدم. به او گفتم: ای امیرالمؤمنین! آن دو زنی از زنان رسول خدا که ضد او هم‌پیمان شدند، چه کسانی
بودند؟ عمر گفت: حفصه و عائشه بودند.

همچنین روایاتی در منابع اهل سنت با سند معتبر وجود دارد که عایشه در نوبت رسول خدا صلی الله
علیه و آله شک داشته است:

وروی أبو یعلیٰ بسند لا بأس به وأبو الشیخ بن حیان بسند جيد قوی عن عائشة - رضي الله تعالى عنها -
قالت كان في متاعي خف وكان علي جمل ناج وكان متاع صفية فيه ثقل ، وكان علي جمل ثقال فقال رسول الله
صلى الله عليه وسلم : ' حولوا متاع عائشة على جمل صفية ، وحولوا متاع صفية على جمل عائشة حتى يمضي
الركب ' ، قلت : يا لعباد الله ، غلبتنا هذه اليهودية على رسول الله صلى الله عليه وسلم قالت : فقال رسول الله
صلى الله عليه وسلم : ' يا أم عبد الله ، إن متاعك فيه خف ، وكان متاع صفية فيه ثقل ، فأبطأ الركب فحولنا
متاعها على بعيرك وحولنا متاعك على بعيرها ، قالت : فقالت : ألسنت تزعم أنك رسول الله صلى الله عليه وسلم
فتبسم رسول الله صلى الله عليه وسلم وقال : أوفي شك ؟ أنت يا أم المؤمنين يا أم عبد الله ، قالت : قلت :
ألسنت تزعم أنك رسول الله صلى الله عليه وسلم ، فهلا عدلت وسمعتني أبو بكر وكان فيه غرب أي حدة ، فأقبل
علي فلطم وجهي فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ' مهلا يا أبا بكر ' ، فقال : يا رسول الله ، أما سمعت ما

قالت ؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ' إن الغیری لا تبصر أسفل الوادي من أعلاه ، ورواه الامام أحمد بسند لا بأس به عن صفیة - رضي الله تعالى عنها - ' .

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (متوفای ۹۴۲هـ)، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۹ ص ۷۱ ، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ .

ابو یعلی با سندی که اشکالی بر آن نیست و ابو الشیخ بن حسان با سند خوبی که قوی است روایت کرده اند که عبد الله بن زبیر از عائشه نقل می کند که گفت: (در سفر حجه الوداع) توشه من سبکتر و شترم نیز تندرو بود؛ ولی توشه صفیه سنگین تر و شترش نیز کندروتر بود و سبب شده بود که کاروان آرام حرکت کند، رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: توشه عائشه را بر شتر صفیه و توشه صفیه را بر شتر عائشه بار کنید، تا کاروان تندتر حرکت کند. عائشه می گوید: وقتی این چنین دیدم گفتم: ای وای این زن یهودی پیش پیامبر از ما عزیزتر شد؟ رسول خدا فرمود: ای ام عبد الله (کنیه عائشه) توشه تو سبک و توشه صفیه سنگین است، این سبب شده است که کاروان به آرامی حرکت کند و ما توشه او را بر شتر تو و توشه تو را بر شتر او بار کردیم.

عائشه می گوید که من گفتم: آیا تو نیستی که خیال می کنی که پیامبر خدا هستی؟ رسول خدا تبسم کرد و فرمود: آیا در این مسأله تردید داری؟ عائشه می گوید: دو باره گفتم: آیا تو نیستی که خیال می کنی رسول خدا هستی! پس چرا عدالت را رعایت نمی کنی؟ ابوبکر که بسیار تندخو بود، جلو آمد و به صورتم سیلی زد، رسول خدا فرمود: صبر کن ای ابوبکر! ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا مگر نشنیدی که او چه گفت؟ رسول خدا فرمود: زنان وقتی غیرتشان به جوش می آید، ته دره را از بالای آن تشخیص نمی دهند. امام احمد به سندی که اشکالی ندارد از صفیه نقل کرده است.

نتیجه:

با توجه به مطالبی که گذشت، در یافتیم که حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها از همه لحاظ از دیگر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله برتر و فضایل و مناقبی که در منابع فریقین برای آن بانو نقل شده است، گواهی بر این مطلب است و قطعاً مجاهدت های حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها بود که درخت نوپای اسلام تنومند گشته و با ایمانی راسخ و عمیق بر اعتلای دین خدا کوشیدند. همچنین نباید فراموش کرد که مدح و فضائل ایشان در کلام اهل بیت علیهم السلام، خود نیز حاکی از مقام والای ایشان دارد.

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف